

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان:
Structural Comparison of Mohammad Ibrahim Ibn Mohammad Nasir
Qomi's Naskh and Hafiz Osman Effendi's Naskh
(Based on the Layl Surah of Quran Calligraphy Style)
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

مقایسه ساختاری خط نسخ محمدابراهیم بن محمدنصیر قمی و خط نسخ حافظ عثمان افندی (با تمرکز بر شیوه کتابت سوره لیل قرآن کریم)

خشایار قاضی زاده^۱، دلارام کاردار طهران^۲، علی کریمی^۳

۱. استادیار، دانشکده هنر، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.
۲. کارشناسی ارشد نسخه‌شناسی، پژوهشگر مستقل، مشهد، ایران.
۳. پژوهشگر دکتری تاریخ تطبیقی و تحلیلی هنر اسلامی، دانشکده هنر، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۵

چکیده

خط نسخ یکی از اقلام رایج در کتابت و خوشنویسی در سرزمین‌های اسلامی است. در این میان، ایران و عثمانی دو منطقه مهم در استفاده از خط نسخ به منظور کتابت متون بوده‌اند و نسخه‌های خطی بسیاری با این خط در کتابخانه‌ها و موزه‌های این دو کشور محفوظ هستند. اما با مطالعه دقیق در حوزه سبک‌شناسی خط نسخ، تفاوت‌هایی در کتابت این خط در ایران و عثمانی در دوره تاریخی واحدی مشاهده می‌شود که نیازمند بررسی است.

احمد نیریزی، خوشنویس برجسته، خط نسخ را به سبکی مستقل تحت عنوان «نسخ ایرانی» تبدیل کرد. در این پژوهش جهت شناخت نسخ ایرانی پیش از نیریزی از عثمانی، به مطالعه تطبیقی دو قرآن از دو خوشنویس برجسته این دو سبک پرداخته و شاخصه‌های آن نیز ارائه می‌شود. هدف اصلی پژوهش، سبک‌شناسی این دو قلم به جهت تشخیص از یکدیگر است. می‌توان این پرسش‌ها را طرح کرد که شیوه نگارش خط نسخ ایرانی و نسخ عثمانی تا پیش از نیریزی، با کدام شاخصه‌ها از یکدیگر متمایز می‌شوند؟ چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی میان شیوه محمدابراهیم قمی و حافظ عثمان افندی وجود دارد؟

در این پژوهش توصیفی و تطبیقی اطلاعات با شیوه کتابخانه‌ای - اسنادی گردآوری شده، همچنین کتابت دو خوشنویس مذکور به صورت دیجیتالی تجزیه و تحلیل شده است. بررسی تصاویر نسخه‌های قرآنی این دو خوشنویس حاکی از آن بود که نسخ ایرانی با عثمانی متفاوت است و به منظور تشخیص این دو شیوه، شاخصه‌هایی همچون بررسی زاویه حروف عمودی نسبت به کرسی افقی، شیب کرسی در ترکیبات، شیب در مدها و تشدیدها، تناسب میان اعراب و اندازه دندانها ارائه شد.

واژگان کلیدی: خط نسخ، نسخ ایرانی، نسخ عثمانی، محمدابراهیم قمی، حافظ عثمان افندی.

مقدمه

خوشنویسان، پژوهشگران و نسخه‌شناسان است. از دوره‌های گذشته تا کنون، خط نسخ در کنار خطوطی همچون کوفی و نستعلیق، سه خط اصلی در کتابت و هنر کتاب‌آرایی در جهان اسلام به‌شمار می‌روند، با این تفاوت که دامنه کاربرد خط کوفی و نستعلیق، بیش از شش یا هفت سده نبوده است. اما خط نسخ سابقه‌ای کهن‌تر دارد و امروزه نیز مطابق با

نسخه‌های خطی، میراث مکتوب گذشتگان و باز نمود فرهنگ، هنر و ادبیات هر تمدنی هستند. شناخت دقیق این آثار و افزایش دانش و آگاهی درباره آنها، راه‌گشای مسیر

جامعه آماری این پژوهش سوره لیل در مصحف شریف به قلم محمدابراهیم قمی و حافظ عثمان افندی است. روش نمونه‌گیری هدفمند به عنوان ساختار مطالعاتی انتخاب شده و تا حصول اشباع نظری اطلاعات نمونه‌گیری ادامه یافته است. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز به صورت کیفی (تحلیل محتوا) است.

به‌منظور مقایسه شیوه‌های کتابت، بررسی‌هایی روی شیب کرسی، ترکیب‌بندی حروف و مواردی چنین صورت گرفته است. در پایان نیز، شاخصه‌هایی جهت شناسایی دو قلم نسخ ایرانی و نسخ عثمانی این دو خوشنویس از یکدیگر ارائه شده و جدول‌هایی به جهت سهولت در مقایسه و بررسی دقیق این شاخصه‌ها آورده شده است.

پیشینه پژوهش

«حبیب‌الله فضالی» از نخستین پژوهشگرانی است که به تفاوت خط نسخ ایرانی و خط نسخ سایر ممالک اسلامی در کتاب «تعلیم خط» (۱۳۶۲) اشاره کرده است؛ اما این اشارات، تنها در این حد است که شیوه نگارش نسخ در ایران و عثمانی متفاوت است اما تفاوتی ذکر نشده است. در سال (۱۳۹۹) کتابی تحت‌عنوان «رسم‌المشق خط نسخ ایرانی»، نوشته «محسن عبادی» منتشر شد که در خصوص یادگیری خط نسخ ایرانی، مطالبی را به هرنجویان خوشنویس ارائه می‌کند اما نکاتی برای پژوهشگران حوزه خوشنویسی و به منظور مقایسه بیان نشده است. در همان سال، مقاله‌ای با عنوان «مقایسه ساختاری خط نسخ ایرانی و خط نسخ عثمانی (با تمرکز بر کتابت جزء سی‌ام قرآن کریم به خط احمد نیریزی و محمد شوقی افندی)» توسط «دلارام کردار طهران» (۱۳۹۹) منتشر شد که در آن به بیان تفاوت‌های ساختاری این دو سبک اشاره شده است. در این مقاله ادعان شده است که در خط نسخ عثمانی تمایل به صعود در انتهای کرسی و تمایل به نزول در انتهای کلمات مشهود است و این امر، نوعی عدم ثبات را نشان می‌دهد، کاملاً در تضاد با نسخ ایرانی که ایستایی را القا می‌کند. «فراز و فرود نسخ‌نویسی در ایران»، تألیف «علیرضا هاشمی‌نژاد» (۱۳۹۹) به طور کامل تحولات سبک‌شناختی قلم نسخ به شکل تئوریک، از سده چهارم تا چهاردهم ه.ق. بررسی شده است. فرهنگستان هنر نیز «دعای روزهای هفته» به خط «میرزا محمد شفیق تبریزی» را در سال (۱۳۹۶) منتشر کرده و «حجت امانی» در مقدمه این کتاب از ارزش و اهمیت خط نسخ ایرانی و پرداختن به آن و همچنین شیوه نیریزی صحبت کرده است. با مطالعه پژوهش‌های انجام‌شده، این‌گونه دریافت می‌شود که تاکنون پژوهشی مستقل در خصوص مقایسه خط نسخ

معیارها و شیوه‌های نوین، تغییراتی در آن صورت‌گرفته و سبب تثبیت جایگاه آن در کتابت متون شده است. بنابراین، نسخه‌های خطی بسیاری که در کتابخانه‌ها و موزه‌های سراسر دنیا محفوظ هستند، به خط نسخ کتابت شده‌اند. یکی از موضوعات مهم در حوزه نسخه‌های خطی، شناخت اصالت دست‌خط کاتب و تمایز آن با دیگر شیوه‌ها است.

نکته قابل توجه دیگر آن است که خط نسخ تا دوره صفوی تحت تأثیر مکتب یاقوت بود و از سده یازدهم با ظهور خوشنویسانی چون محمدابراهیم قمی و شاگرد شهیرش، احمد نیریزی به سبکی مستقل تبدیل شد. مکتبی که به تأثیر از خط نستعلیق «نسخ ایرانی» نام گرفت. از این رو، شناخت شیوه کتابت خط نسخ در کشورهای اسلامی، به‌خصوص ایران و عثمانی که دو کشور مهم در استفاده از خط نسخ به منظور کتابت متون بوده‌اند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چراکه نیاز است برای تشخیص صحیح نوع خط به‌کاررفته در نسخه‌ها و مرقعات، به سبک‌شناسی این آثار پرداخته شود. همچنین این موضوع، در فهرست‌نویسی نفایس هنری موزه‌ها و کتابخانه‌ها که توسط فهرست‌نویسان نیز به دلیل عدم آگاهی کافی در خصوص تشخیص نسخه‌ها نادیده گرفته می‌شود، مهم است. بنابراین، هدف اصلی این پژوهش، مقایسه دو خط نسخ ایرانی و خط نسخ رایج در شیوه عثمانی است تا به شناخت هرچه بهتر و عمیق‌تر تفاوت‌های این دو سبک کمک شود.

سؤالات پژوهش

۱- شیوه نگارش خط نسخ ایرانی و نسخ عثمانی تا پیش از احمد نیریزی، با کدام شاخصه‌ها از یکدیگر تمایز پیدا می‌کنند؟

۲- چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی میان شیوه کتابت خط نسخ محمدابراهیم قمی و حافظ عثمان افندی مشاهده می‌شود؟

روش پژوهش

در این پژوهش، با روش توصیفی - تطبیقی به بیان تمایزهای دو خط نسخ ایرانی و عثمانی پرداخته شده است. نخست محمدابراهیم قمی به عنوان خوشنویس ایرانی و حافظ عثمان افندی به عنوان خوشنویس عثمانی معرفی شده‌اند و سپس به توضیح مختصری درباره خط نسخ و تاریخچه‌اش اشاره شده است. این بخش از پژوهش، به شیوه کتابخانه‌ای - اسنادی و با فیش‌برداری از منابع مکتوب صورت گرفته است. در بخش اصلی مقاله حاضر نیز، با استفاده از نرم‌افزار کامپیوتری فتوشاپ به منظور افزایش دقت و کاهش خطا، تجزیه و تحلیل روی آثار موردنظر صورت گرفته است.

می‌توان گفت دو شیوه اصلی این خط عبارت است از:

• شیوه یاقوت

زاویه قط قلم آن مانند ثلث، محرف (تند) است و شباهتی به خط ریحان دارد و هم‌اکنون در دیگر کشورهای اسلامی رایج است. در سده یازدهم ه.ق. در ایران، سبک یاقوتی هنوز استمرار دارد. اصولاً نیمه اول سده یازدهم ه.ق. دوره اقلام نستعلیق و ثلث است و در قلم نسخ، از نظر کثرت آثار باشکوه، چندان پربار نیست بلکه دوره گذار از شیوه‌های سنتی قلم نسخ به شیوه ایرانی است (هاشمی‌نژاد، ۱۳۹۹، ۲۰۰).

• شیوه احمد نیریزی

زاویه قط آن میانه (نزدیک به نستعلیق) است و مایه‌ای از خط نستعلیق در آن دیده می‌شود. این شیوه پس از احمد نیریزی به دست محمد هاشم زرگر اصفهانی (۱۲۱۲ ه.ق.)، عبدالله عاشور رنانی (۱۱۷۰ - ۱۲۳۵ ه.ق.)، وصال شیرازی (۱۱۹۷ - ۱۲۶۲ ه.ق.)، محمد شفیع تبریزی (۱۲۶۴ ه.ق.) و زین‌العابدین اصفهانی (۱۱۸۷ - ۱۳۰۰ ه.ق.) گسترش یافت و به شکوفایی رسید (قلیچ‌خانی، ۱۳۹۹، ۳۹۹).

در مورد انواع شیوه‌های نسخ به نظر می‌رسد در مجموع، شیوه‌های یاقوتی، عثمانی و ایرانی، مهم‌ترین شیوه‌ها هستند که به مکتب تبدیل می‌شوند. این گوناگونی شیوه، می‌تواند به علت حضور در دوره‌ای که هنرمندان در پی روش نو هستند و سلیقه‌های جدید در حال شکل‌گیری و تثبیت است، باشد. این اتفاق، در قلم نسخ در سده یازدهم ه.ق. می‌افتد و در سده دوازدهم ه.ق. تثبیت می‌شود و شیوه نسخ ایرانی با ویژگی‌های فرمی و ترکیبی و زیبایی‌شناسی خاص به وجود می‌آید (هاشمی‌نژاد، ۱۳۹۹، ۲۰۳).

محمدابراهیم بن محمدنصیر قمی

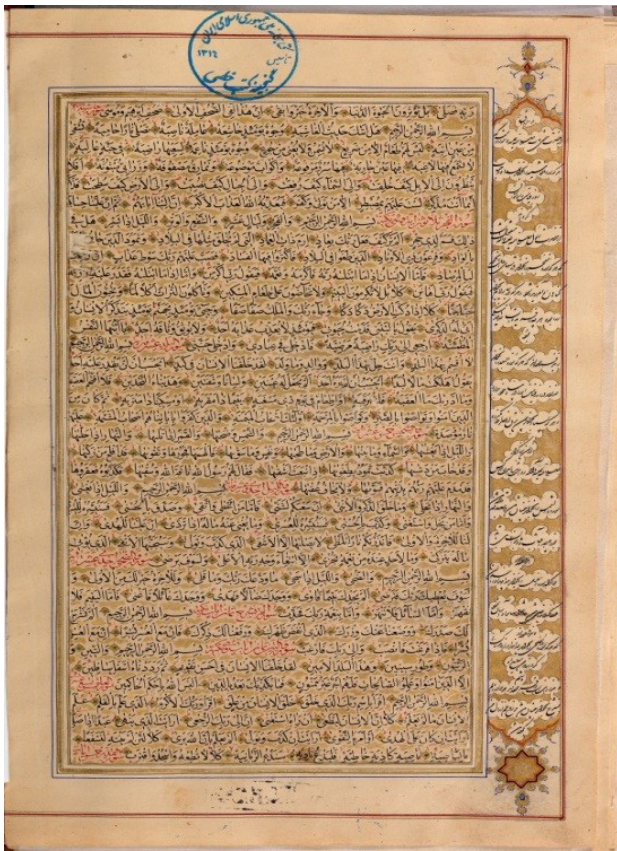
«محمدابراهیم قمی» از خوشنویسان و نسخ‌نویسان صاحب‌نام اواخر قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم ه.ق. بوده است. او استاد «میرزا احمد نیریزی» (۱۰۸۷ - ۱۱۵۵ ه.ق.) بوده و از مشاهیر خوشنویسی در دوره سلطنت شاه سلیمان و شاه سلطان حسین صفوی به شمار می‌رود. وی علاوه بر خطوط اصول، تعلیق، نستعلیق و شکسته را نیز عالی می‌نوشته است. اما شهرت وی در خط نسخ است (فضائلی، ۱۳۶۲، ۳۵۲). محمدابراهیم قمی، براساس رقم آثار باقی‌مانده از او تا اوایل سده دوازدهم ه.ق. حیات داشته است (وفات: ۱۱۱۹ ه.ق.). او مذهب (و مجلد هم بوده است و در سال ۱۰۹۲ ه.ق. کتاب سلطنتی می‌شود (بیانی، ۱۳۸۲، ۱۵۴). خط نسخ او علاوه بر لطافت و نزاکت از استحکام خاصی نیز برخوردار است. از قمی، نسخه‌های متعددی از کتابت قرآن و همچنین قطعاتی باقی مانده است. نمونه‌های باقی‌مانده از آثار او،

محمدابراهیم قمی به عنوان یکی از نخستین اساتیدی که سبک مستقلی در خط نسخ در ایران را پایه‌گذاری کرد و حافظ عثمان افندی، به عنوان خوشنویسی که خط نسخ عثمانی را هویتی مستقل از نسخ یاقوتی بخشید، صورت نگرفته است.

خط نسخ و کاربردهایش

خط نسخ در کتابت و نوشتار، طولانی‌ترین عمر را در میان خطوط اسلامی دارد. نمونه‌های بازمانده خط نسخ از سده چهارم ه.ق. هزارسال را دربرمی‌گیرند (قلیچ‌خانی، ۱۳۹۲، ۴۴). این خط برای نوشتن قرآن و ادعیه استفاده شده و همچنان نیز کاربرد دارد، هرچند که پیش از ابن‌مقله (۲۷۲ - ۳۲۸ ه.ق.) نیز نوعی خط نسخ وجود داشته و در حال تکوین بوده است؛ اما قواعد و اصول خط نسخ جدید، به وسیله او طرح‌ریزی شده و سبب نسخ (از میان‌بردن) خطوط دیگر شده و سپس به وسیله یاقوت مستعصمی (۶۱۰ - ۶۹۸ ه.ق.) به نهایت زیبایی خود رسیده است (قلیچ‌خانی، ۱۳۹۰، ۳۹۸). خط نسخ در طی تاریخ عهده‌دار انتقال اطلاعات بوده و مهم‌ترین نقش را در کتابت نسخه‌های خطی داشته است. «فتح‌الله سبزواری» در رساله «اصول و قواعد خطوط سته» خط نسخ را تابع خط ثلث می‌داند و در رساله «مداد الخطوط» که منسوب به «میرعلی هروی» است، نیز درباره خط نسخ چنین آمده است که: «[ابن‌مقله] باریک ثلث را نسخ نهاد که ناسخ خط‌ها است. از آن جهت نسخ گویند که بیشتر کتب بدان خط نویسند، گویا چنان است که دیگر خطوط را ترک کرده‌اند و بدین خط اکتفا نموده‌اند...» (قلیچ‌خانی، ۱۳۹۵، ۲۸). سهم عمده ابن‌مقله در راه تکامل قلم نسخ این بود که تناسب حروف را بر مبنای «الف» مورد سنجش قرار داد (شیمیل، ۱۳۶۸، ۴۷) و طبیعتاً سبب رونق بیشتر این خط شد.

خط نسخ که تا عصر صفوی تحت‌تأثیر مکتب یاقوت مستعصمی بود، از سده یازدهم ه.ق. با ظهور خوشنویسانی همچون محمدابراهیم قمی و شاگرد شهیرش، احمد نیریزی به سبکی مستقل تبدیل شد؛ مکتبی که به تأثیر از خط نستعلیق به «نسخ ایرانی» نام برآورد و تا امروز مقبول طبع هنرمندان ایرانی بوده است. خط نسخ در ایران تا قبل از احمد نیریزی (قرن یازدهم و دوازدهم ه.ق.) به شیوه‌ای که اکنون در کشورهای عربی رایج است، دیده می‌شود. بدین معنا که نسخ مایل به ثلث و محقق مرسوم بوده است و احمد نیریزی آن را به شیوه‌ای خاص که گویی از خط نستعلیق برآمده است، درآورد و خوشنویسان ایرانی نیز از آن شیوه تاکنون پیروی کرده‌اند (فضائلی، ۱۳۹۰، ۲۹۳-۲۹۴). بنابراین،



تصویر ۱. برگی از قرآن به خط محمدابراهیم قمی. مأخذ: کتابخانه ملی به شماره ۹۲۳ع.



تصویر ۲. انجامه قرآن به خط محمدابراهیم قمی. مأخذ: کتابخانه ملی به شماره ۹۲۳ع.

نشان‌دهنده روند تحولی است که علاوه بر بروز تفاوت در حالات و توانایی خوشنویس، آثار این تحول را در دوره حیات هنرمند هم مشخص می‌سازد. روند تحول در آثار ابراهیم قمی، از قدیم‌ترین آثار او که در ۱۰۷۰ ه.ق. کتابت شده، تا آخرین آثار او دیده می‌شود. نسخه‌ای از قرآن موجود در کتابخانه مجلس، یکی از آثار اوست که در سال ۱۰۹۶ ه.ق. کتابت شده و نشانگر شیوه‌ای از نسخ است که در قیاس با آثار خوشنویسان سده نهم ه.ق در ایران، شکوه و استحکام ندارد. نسخه‌های باقی‌مانده از او در شیوه‌های یکدست کتابت نشده‌اند. از مقایسه آثار او این‌گونه برمی‌آید که محمدابراهیم، چندان در پی رسیدن به شیوه‌ای ویژه با مختصات تعریف‌شده نبوده است؛ مانند تحولی که خوشنویس هم‌عصر او، حافظ عثمان، در قلم نسخ به سبک عثمانی ایجاد کرد (هاشمی نژاد، ۱۳۹۹، ۲۱۰).

از دیگر آثار محمدابراهیم قمی کتابت نسخه‌ای از قرآن کریم به تاریخ سال ۱۱۱۵ ه.ق. است که آن را در اصفهان برای نواب حاجیه زینب‌بیگم نوشته است. قرآن نام‌برده به شماره ۱۵۱۲ در آستان مقدس رضوی موجود است. همچنین قرآن دیگری به شماره ۱۱۰ به تاریخ ۲۵ ربیع‌الاول سال ۱۰۷۸ ه.ق. در آستان مقدس رضوی دیده می‌شود (فضائلی، ۱۳۶۲، ۳۵۳). در پژوهش حاضر نیز، قرآنی به خط نسخ محفوظ در کتابخانه ملی ایران انتخاب شده و بررسی‌ها بر روی شیوه کتابت در سوره لیل صورت گرفته است (تصویر ۱). بنابر انجامه نسخه، کتابت این مصحف شریف، در سال ۱۱۰۲ ه.ق. به اتمام رسیده است (تصویر ۲).

حافظ عثمان افندی

حافظ عثمان افندی در سال ۱۰۵۲ ق/ ۱۶۲۴م. در استانبول متولد شد. وی در کودکی قرآن کریم را حفظ کرد و بدین جهت به «حافظ» ملقب شد. تحت حمایت صدراعظم عثمانی، «فاضل احمدپاشا»، آموزش و تعلیم دید و در همان زمان به هنر خط علاقه‌مند شد. خوشنویسی را نخست در محضر «درویش‌علی» مشق کرد. حافظ عثمان در سال ۱۰۷۱ ق/ ۱۶۸۶م. و در سن ۱۸ سالگی، موفق به دریافت اجازت‌نامه از بزرگان خوشنویسی عصر خود شد. حافظ عثمان در شیوه خطاطی دنباله‌روی شیوه شیخ «حمدالله آماسی» (بنیانگذار مکتب خط عثمانی) بود. همچنین ایشان مورد توجه سلطان عثمانی، مصطفای دوم بود و نزد او از احترام زیادی برخوردار بود (برک، ۱۳۹۹، ب، ۷۶). افندی در تصوف به طریقت سنبلیه درآمده بود و از سید علاءالدین افندی (شیخ درگاه سنبل افندی)، مقامات معنوی را آموخته و پیموده بود. حافظ عثمان در سال‌های پایانی زندگی بر اثر سکت، فلج شده بود؛ با این حال، این وضع تأثیری در نوشتن او نداشت. وی در ۵۸ سالگی در ۲۹ جمادی‌الثانی

۱۱۱۰ ق/ ۳ آریلیک ۱۶۹۸م. وفات نمود. مزار او در مسجد کوچامصطفی پاشا سنبل افندی قرار دارد (همان، ۸۱). حافظ عثمان افندی، آثاری به خطوط ثلث، نسخ، محقق، ریحان و توقیع برجای گذاشته است. آثاری که امروزه می‌توان از وی دید، در اسکودار کتیبه چشمه مسجد دوغانجی لار، سلیمان پاشا و کتیبه سنگ مزار سیاوش پاشا است. علاوه بر شیوه نویسی که حافظ عثمان در خطوط پدید آورد، نوآوری مهم دیگرش، فرم و قالبی بود که برای حلیه شریفه تنظیم کرد. قالب حلیه که شامل

پس از سده هشتم هجری قمری، بی‌ثبات‌ترین دوره در تاریخ قلم‌نسخ و البته پر تنوع‌ترین دوره از نظر شیوه‌های کتابت است. اما از دوره‌های باشکوه نسخ‌نویسی نیست؛ هر چند خوشنویس شاخصی چون محمدابراهیم قمی، متعلق به این دوره است.

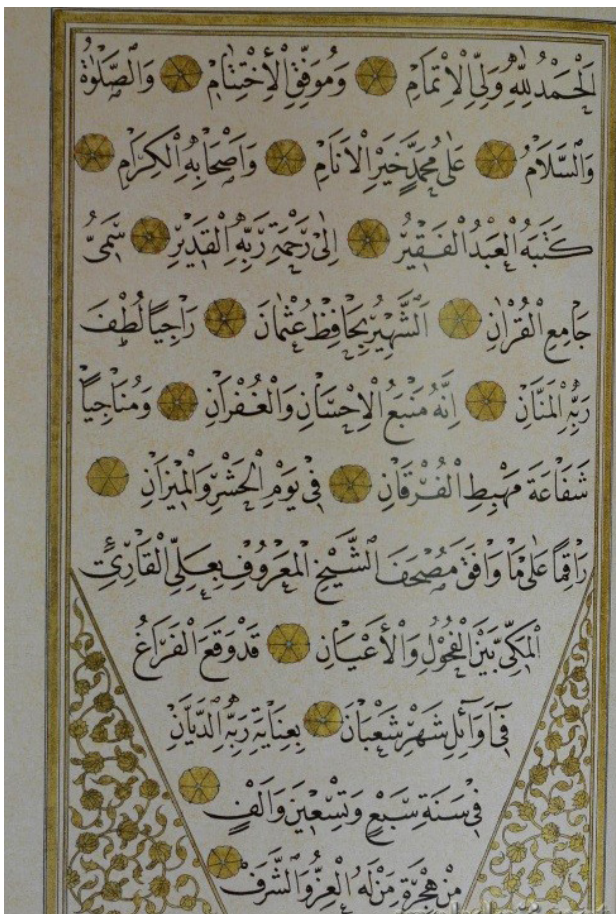
روند کتابت قرآن در دوره شاه سلیمان و شاه سلطان حسین صفوی، متأثر از حمایت این دو پادشاه، به آخرین تحول عمده در قلم‌نسخ در ایران منجر می‌شود. سده دوازدهم هجری قمری در تاریخ قلم‌نسخ، دوره‌ای مهم است. به اعتبار این که آغازی بر تفوق شیوه‌ای از خط نسخ است که بعدها به نسخ ایرانی یا نسخ نیریزی مشهور شد. در سده دوازدهم هجری قمری، شیوه محمدابراهیم قمی دنبال می‌شود و پس از او، احمد نیریزی، پیرو و عامل تثبیت و ارتقای این شیوه بوده است (همان، ۲۰۷). پس از ابراهیم قمی، تحول و تکامل خط نسخ را باید در آثار احمد نیریزی، پی جویی کرد. احمد نیریزی احتمالاً شاگرد محمدابراهیم قمی بوده است؛ البته در شاگردی احمد نیریزی نزد ابراهیم قمی تردید نیز وارد شده است (سمسار و رسولی، ۱۳۷۵، ۱۰۱).

قلم‌نسخ که از سده‌های پیش، متأثر از نگرش زیبایی‌شناسانه ایرانی، دست‌خوش تحولاتی شده بود، شاهد تولد سبک ایرانی است. در این سده قلم‌نسخ، قلم‌بی‌رقیب کتابت آثار دینی و درسی

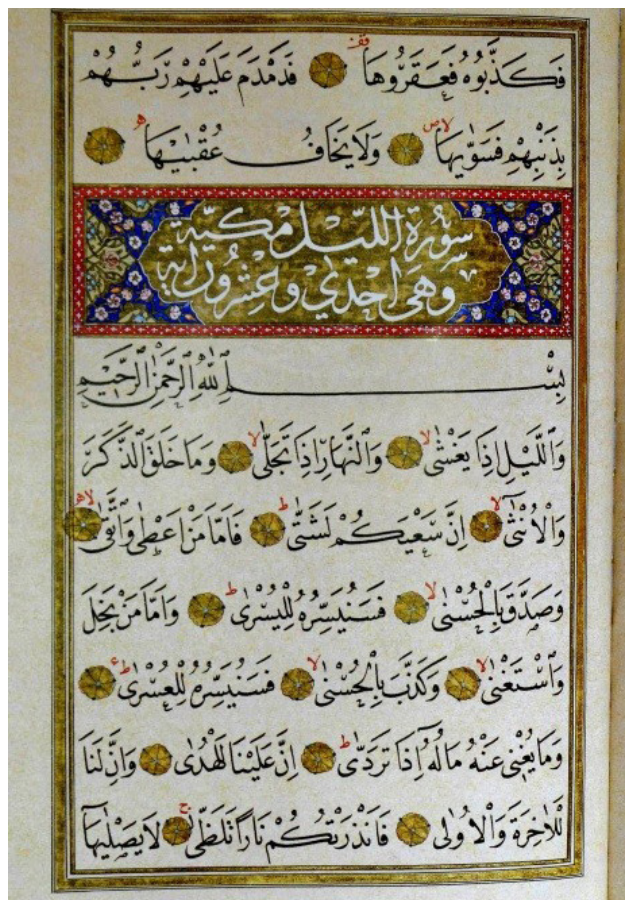
متونی در اوصاف بشری و اخلاق حضرت رسول اکرم (ص) است، تا امروز نیز بیشتر در همان شکل و قالبی که حافظ عثمان تنظیم کرده بود، نگاشته می‌شود. وی شاگردان فراوانی تربیت کرد که در میان آنان، سید عبدالله افندی، رودوسی زاده عبدالله افندی، درویش علی و حسن اسکوداری، از همه سرشناس‌ترند (همان، ۸۲). حافظ عثمان، آثار فراوانی در قالب قرآن کریم، انعام شریف، قطعه، مرقع، سیاه مشق، حلیه و کتیبه پدید آورده است. آثارش در استانبول، در کاخ موزه توپکاپی، موزه آثار ترک و اسلام، موزه هنر خط اوقاف، کتابخانه سلیمانیه، کتابخانه موزه آرکئولوژی استانبول، موزه صدرگ خانم، موزه ثاقب صابانجی، موزه هنری بورس، موزه کتابخانه دانشگاه استانبول و نیز در بسیاری از مجموعه‌های ویژه و خصوصی دیده می‌شود (برک، ۱۳۹۹ الف، ۸۲). قرآن مورد نظر در این پژوهش، به خط نسخ و متعلق به سال ۱۰۹۷ هجری قمری است که در سال ۱۹۶۷ م. به چاپ رسیده و بررسی‌ها بر روی شیوه کتابت در سوره لیل صورت گرفته است (تصاویر ۳ و ۴).

خط نسخ ایرانی در دوره صفوی

در نمایی کلی از وضعیت قلم‌نسخ در قرن یازدهم هجری قمری احتمالاً



تصویر ۴. انجامه قرآن به خط حافظ عثمان افندی. مأخذ: آرشیو شخصی مهدی قربانی.



تصویر ۳. برگی از قرآن به خط حافظ عثمان افندی. مأخذ: آرشیو شخصی مهدی قربانی.

نفیس از قرآن کریم به سطحی بالا در کتابت مصحف شریف دست یافتند (برک، ۱۳۹۹، ۱۱۰).

در دوره عثمانی، شیخ حمدالله نخستین خطاطی بود که خط نسخ را برای کتابت قرآن اختصاص داد. با رواج شیوه شیخ حمدالله، کتابت قرآن به شیوه‌های پیشین که با خطوط محقق و ثلث و ریحان و یا ترکیبی از آنها انجام می‌شد، کم‌کم به فراموشی سپرده شد. به کاربردن خط نسخ در کتابت مصاحف چنان فزونی یافت که خوشنویسان تقریباً به طور کامل به این امر اختصاص دادند (همان، ۱۱۱). در دوره بعد، حافظ عثمان با ایجاد تناسبات زیبایی‌شناسی و زنده و پویاتر نوشتن حروف شیخ حمدالله در خط نسخ، مصحف‌هایی را کتابت کرد. اشتغال و اشتیاق خطاطان عثمانی به کتابت قرآن، در میان خوشنویسان دیگر ممالک اسلامی کم‌نظیر است. تعداد فراوان نسخه‌های کتابت‌شده قرآن، گواهی بر این مدعاست (همان، ۱۱۸).

تحولات خط نسخ عثمانی

از خوشنویسان بسیار اثرگذار در تحولات خط نسخ در تمدن اسلامی و به‌ویژه در قلمروی دولت عثمانیان، عثمان بن علی، مشهور به حافظ عثمان افندی است. حافظ عثمان موفق شد روحی تازه به خوشنویسی عثمانی بدمد. او در دوره خود بسیار مورد توجه قرار گرفت. حافظ عثمان که خوشنویس توانایی بود، با حمایت سلطان عثمانی، موفق به اصلاح ساختار فرمی در نسخ سبک عثمانی شد. او با ایجاد تناسب دقیق‌تر در شکل حروف و همچنین فضا سازی متناسب‌تر در ترکیب حروف و کلمات، تعادل در شاکله کلی سبک عثمانی را ارتقا بخشید. در واقع، سبک عثمانی، با حافظ عثمان به هویت مستقل خود از نسخ یاقوتی می‌رسد. او که تقریباً هم‌زمان با دوره تحول در قلم نسخ در ایران (سده یازدهم ه.ق.) به عرصه وجود پا گذاشت اقدامات مهمی صورت داد، من جمله، تثبیت و قدرت بخشیدن به نسخ عثمانی بود؛ چنان‌که پس از او، خوشنویسان عثمانی هرگز نتوانستند از دایره تأثیرش بیرون بمانند (هاشمی‌نژاد، ۱۳۹۹، ۲۲۴).

تحولات ایجادشده در خوشنویسی عثمانی، با آگاهی و به تعبیر دیگر، دستوری و بر پایه شناخت صورت گرفته است، ولی در نسخ ایرانی، این تحولات در مسیر طبیعی و شاید اتفاقی و متأثر از دخل و تصرفات فردی بوده و در راستای هدفی کلی‌تر اتفاق نیفتاده است. البته در دولت عثمانی، وجود مرکزی واحد در کل دوره امپراتوری عثمانی، نقش مهمی در یکپارچگی سبک عثمانی ایفا کرده است. تنها مرکز مهم تولید و تحولات هنر عثمانی، شهر استانبول بود؛ در حالی‌که در ایران، مراکزی مانند شیراز، هرات، تبریز و اصفهان، و گاهی مراکزی مانند سمرقند و یزد

و نیز مهم‌ترین قلم قرآن‌نویسی است؛ تا جایی که در این دوره، تقریباً اقلامی همچون ریحان و محقق، از دور خارج‌اند. در این دوره قلم نسخ، جایگاه خاص خود را برای نوشتن متون تاریخی نیز کمابیش حفظ کرده است. در سده دوازدهم ه.ق. برخی از کتاب‌های فارسی با محتوای دینی به قلم نسخ کتابت می‌شوند و از این نظر، قلم نسخ وضعیت بهتری نسبت به سده یازدهم ه.ق. دارد (هاشمی‌نژاد، ۱۳۹۹، ۲۲۰).

مهم‌ترین تحول در حوزه خوشنویسی و به‌ویژه قلم نسخ در دوران شاه سلیمان و در سده بعد، در دوران شاه سلطان حسین، احیاء قرآن‌نویسی بود. بیشتر آثار در قلم نسخ این دوره محدود به کتابت قرآن است و در حوزه‌های ادبی و تاریخی کمتر اثر ارزشمندی به قلم نسخ دیده می‌شود. البته به واسطه گسترش مدارس دینی، در این عصر نیز قلم نسخ را باید پرکاربردترین قلم در نوشتن این‌گونه آثار که معمولاً علاوه بر قرآن، کتب فقهی و تفاسیر بودند، معرفی کرد (همان، ۲۰۱). با توجه به رواج سنت قرآن‌نویسی و حضور خوشنویسان متعدد در مراکز فرهنگی که البته شهرهای مهمی مانند اصفهان، شیراز، تبریز و هرات منظور است، شیوه‌های متأثر از مکاتب ایرانی و عثمانی یعنی شیوه‌های تلفیقی هم در نسخ این دوران دیده می‌شود. باید توجه داشت که شیوه‌ها و سبک‌های متفاوت در مناطق مختلف، معمولاً تحت تأثیر عوامل دیگری از جمله دوری از مرکز، تأثیر هنرها و سلاطین بومی و غیره نیز به وجود می‌آمده و این تفاوت سبک‌ها، مانند تفاوت لهجه‌ها، ظاهراً به علت گذشت زمان، اجتناب‌ناپذیر است. چنان‌که در مورد قلم نسخ می‌توانیم نوعی تقسیم‌بندی جغرافیایی را ادعا کنیم، زیرا نسخ عثمانی، نسخ مصری و شمال آفریقا، با نسخ ایرانی و نسخ هندی، چهار سبک متفاوت‌اند (همان، ۲۰۲). در هر صورت، صفویان به خوشنویسی اهمیت دادند و با حمایت حاکمان صفوی، دوره آنان نیز دوره رونق خوشنویسی است؛ اما جایگاه قلم نسخ در ایران، هم‌سنگ سده‌های هشتم و نهم ه.ق. نیست. البته در تداوم سنت تیموری، خوشنویسان به فعالیت خود ادامه دادند.

کتابت قرآن در عثمانی

هنر خوشنویسی پس از یاقوت مستعصمی، در پایان سده یازدهم ه.ق. وارد آخرین مرحله بلوغ خود شد. تجربیات چندصدساله خوشنویسان در استانبول توسط شیخ حمدالله آماسی، در قالب یک مکتب جدید تجلی یافت و به‌ویژه خط نسخ، به عنوان خطی که نوشتن و خواندنش آسان‌تر بود، مورد توجه و رجحان قرار گرفت. این ویژگی خط نسخ موجب شد تا برای کتابت قرآن کریم کاربردی ویژه‌تر از سایر خطوط بیابد. خطاطان و کاتبان قرآن پس از شیخ حمدالله تا پایان دوره عثمانی، با حمایت و پشتیبانی سلاطین و اشراف، با خلق صدها نسخه

هم تعیین کننده بودند. علاوه بر آن، تشکیل واحد سازمان یافته هم در این امر نقش مهمی داشته است. دیوان همایونی که از زمان تسلط عثمانیان در سال ۸۵۵ ه.ق. ایجاد شد و تا زمان آخرین فرمان‌روا در سال ۱۳۲۲ ه.ق. دایر بود، نقشی مهم در تحولات هنری عثمانی داشت. می‌توان معادل این دیوان در ایران را کتابخانه‌های سلطنتی دانست؛ که با توجه به این که در ایران، این مراکز تولید نسخه و مدیریت فرهنگ و هنر، با جابه‌جایی قدرت، از شهری به شهر دیگر منتقل می‌شد، کارکردی مشابه دیوان همایونی نمی‌توان برای آنها متصور بود (همان، ۲۲۵).

بحث و یافته‌ها

در ابتدا باید به این مهم اشاره شود که جهت مقایسه خطوط، اجزای متعددی بررسی می‌شوند، اما آنچه در پژوهش حاضر، اصل قرار گرفته، بررسی شاخصه‌هایی است که محقق پیشتر از آنها در پژوهشی استفاده کرده و از آن جایی که نتایج حاصل مورد قبول و توجه قرار گرفته، در این پژوهش نیز بدان‌ها پرداخته شده است؛ بنابراین، هدف، ارائه شاخصه‌هایی بصری است که شباهت‌ها و تفاوت‌های نسخ محمدابراهیم قمی و حافظ عثمان افندی را از یکدیگر متمایز می‌سازد.

والاثرین و در عین حال، نخستین عبارتی که معمولاً در کتابت متون (اعم از مذهبی و غیرمذهبی) به کار میرود «بسم الله الرحمن الرحیم» است. از این رو در **جدول ۱**، زاویه حروف عمودی این عبارت به همراه چند عبارت دیگر که به طور اتفاقی انتخاب

جدول ۱. بررسی زاویه حروف عمودی نسبت به کرسی افقی. مأخذ: نگارندگان.

شده‌اند، نسبت به کرسی افقی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. با دقت در زاویه حروف عمودی نسبت به کرسی افقی، در می‌یابیم که هر دو خوشنویس، شیب ملایمی را در کتابت حروف عمودی به کار می‌برده‌اند و می‌توان این نکته را شباهتی بین دو شیوه دانست. در مرحله بعد، شیب کرسی در ترکیبات بررسی شده است. بدین منظور، چند کلمه از میان آیات، انتخاب و کرسی افقی آنها رسم شد (**جدول ۲**).

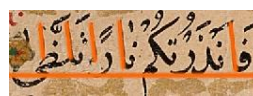
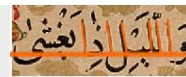
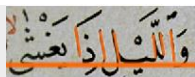
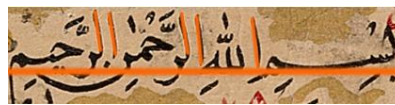
در کرسی افقی ترکیبات حافظ عثمان، در انتها به سمت پایین شیبی واضح دیده می‌شود، اما این امر در هر ترکیب محمدابراهیم قمی متفاوت و متغیر است. بدین صورت که کرسی برخی ترکیبات در انتها به سمت پایین شیب ملایمی دارد و کرسی برخی ترکیبات کاملاً افقی است. سپس شیب در مدها و تشدیدها سنجش و بررسی شده است. گمان می‌رفت که شیب مدها و تشدیدها در هر کلمه متفاوت کتابت شود، اما این گونه نبود و هر کاتب، شیب تقریباً یکسانی در کتابت این دو مورد در تمام سوره به کار برده بود. به همین دلیل، از هر خوشنویس، یک مد و یک تشدید به عنوان نمونه انتخاب و در جدول قرار داده شد (**جدول ۳**).

کرسی فرضی برای تشدیدها و مدها در نسخ حافظ عثمان، کاملاً شیبدار و تمایل به نزول دارد؛ همانند کرسی فرضی افقی در ترکیبات است. اما در خط نسخ محمدابراهیم، چنین نیست و کرسی فرضی کاملاً افقی است. نکته دیگری که بررسی شد، اندازه اعراب و تناسب میان آنها است.



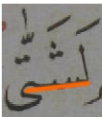

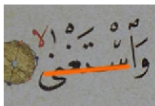
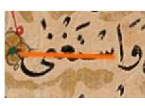


بررسی زاویه حروف عمودی نسبت به کرسی افقی

نسخ عثمانی (حافظ عثمان افندی)







نسخ ایرانی (محمدابراهیم قمی)



جدول ۲. بررسی شیب کرسی در ترکیبات. مأخذ: نگارندگان.

بررسی شیب کرسی در ترکیبات	
نسخ عثمانی (حافظ عثمان افندی)	نسخ ایرانی (محمدابراهیم قمی)
	
	
	
	

جدول ۳. بررسی شیب در مدها و تشدیدها. مأخذ: نگارندگان.

بررسی شیب در مدها و تشدیدها	
نسخ عثمانی (حافظ عثمان افندی)	نسخ ایرانی (محمدابراهیم قمی)
	
	
	

اول کوچکتر و دندانه دوم بزرگتر کتابت شده است.

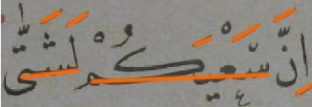



نتیجه‌گیری

با بررسی‌ها و مطالعات صورت گرفته بر روی کتابت سوره لیل توسط خوشنویس ایرانی، محمدابراهیم قمی و خوشنویس عثمانی، حافظ عثمان افندی، نتایجی حاصل شد که قابل توجه و تأمل است. در خط نسخ محمدابراهیم قمی، فاصله‌گرفتن از سنت قدیمی سبک یاقوت در خط نسخ مشاهده می‌شود به همین دلیل، وی از خوشنویسان مهم و تأثیرگذار خط نسخ است. اما باید گفت که از مشاهده آثار کتابت‌شده توسط محمدابراهیم، این‌گونه برداشت می‌شود

اندازه اعراب در خط حافظ عثمان، متغیر و بسته به محل قرارگیری، کوچک و بزرگ است. این تغییر در اعراب‌گذاری محمدابراهیم قمی هم مشاهده می‌شود، اما آنچنان محسوس نیست در حالی که بعدتر و در نسخ احمد نیریزی، اندازه اعراب تحت هر شرایطی کاملاً یکسان هستند (جدول ۴). در گام آخر، اندازه دندانه‌های حروف سین و شین بررسی شد. همانطور که در جدول ۵ قابل مشاهده است، دندانه‌های سین و شین در خط نسخ محمدابراهیم قمی، یک اندازه هستند و این اصل بعدها در نسخ ایرانی احمد نیریزی نیز مشاهده می‌شود، اما اندازه دندانه‌ها در خط نسخ عثمانی حافظ عثمان یکسان نیست، بدین صورت که معمولاً دندانه

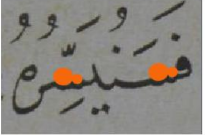
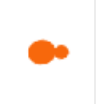

جدول ۴. بررسی تناسبات میان اعراب. مأخذ: نگارندگان.

بررسی تناسبات میان اعراب

نسخ عثمانی (حافظ عثمان افندی)	نسخ ایرانی (محمدابراهیم قمی)
	
	

جدول ۵. بررسی اندازه دندانه‌ها. مأخذ: نگارندگان.

بررسی اندازه دندانه‌ها

نسخ عثمانی (حافظ عثمان افندی)	نسخ ایرانی (محمدابراهیم قمی)
	
	

این دو خوشنویس، تفاوت‌هایی نیز دیده می‌شود که بعدها و در مقایسه نسخ ایرانی نیریزی و سایر خوشنویسان عثمانی از جمله حافظ عثمان، کاملاً مشهود است. در خط قمی، شاکله خط از استحکام و تناسب مقبول برخوردار است که همین نشان از شکل‌گیری شیوه جدید دارد. همچنین دور در حروفی افزایش می‌یابد که ساختار فرمی آن‌ها منحنی است. در پایان، این‌گونه استنباط می‌شود که تحولات ایجادشده در خوشنویسی عثمانی، با آگاهی و هدفمند صورت گرفته است. در خصوص پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی نیز می‌توان توجه علاقه‌مندان را به بررسی سبک‌شناسی سایر خطوط از جمله ثلث ایرانی با سایر کشورها جلب کرد.

فهرست منابع

- برک، سلیمان. (۱۳۹۹ الف). خوشنویسان استانبول (ترجمه مهدی قربانی و ثریا منیری). تهران: پیکره.

که او در پی کسب شیوه‌های ویژه نبوده و تحولاتی که در کتابت او رخ داده، به منظور رسیدن به هدفی کلی‌تر نبوده است. اما خوشبختانه راهی که محمدابراهیم قمی در پیش گرفته بود، به وسیله احمد نیریزی به نتیجه رسید و خط نسخ ایرانی هویتی مستقل یافت. از سوی دیگر، همین امر در خوشنویسی عثمانی توسط حافظ عثمان افندی رخ داد. بدین‌صورت که سبک خط نسخ عثمانی با حافظ عثمان، هویتی مستقل در برابر خط نسخ یاقوتی یافت. از این رو، شباهت‌هایی میان نسخ محمدابراهیم قمی و نسخ حافظ عثمان افندی مشاهده می‌شود از جمله اندازه اعراب، بدین صورت که هر دو خوشنویس بسته به محل قرارگیری، اندازه‌ها را تغییر داده‌اند. همچنین با دقت در زاویه حروف عمودی نسبت به کرسی افقی، در می‌یابیم که هر دو خوشنویس، شیب ملایمی را در کتابت حروف عمودی به کار می‌برده‌اند و این شباهتی دیگر است. اما در عین حال، در نسخ ایرانی و عثمانی

- برک، سلیمان. (۱۳۹۹ب). هنر خوشنویسی عثمانی (ترجمه مهدی قربانی و ثریا منیری). قم: مدرسه اسلامی هنر.
- بیانی، مهدی. (۱۳۸۲). احوال و آثار خوشنویسان، ج. ۲. تهران: علمی.
- سمسار، محمدحسن و رسولی، جلیل. (۱۳۷۵). کاخ گلستان: گزینه‌ای از شاهکارهای نگارگری و خوشنویسی. تهران: زرین و سیمین.
- شفیع تبریزی، میرزا محمد. (۱۳۹۶). دعای روزهای هفته، (با مقدمه حجت امانی). تهران: متن.
- شیمیل، آنه‌ماری. (۱۳۶۸). خوشنویسی اسلامی (ترجمه مهناز شایسته‌فر). تهران: مطالعات هنر اسلامی.
- عبادی، محسن. (۱۳۹۹). رسم‌المشق خط نسخ ایرانی. تهران: گلستانه.
- فضائی، حبیب‌الله. (۱۳۶۲). تعلیم خط. تهران: سروش.
- فضائی، حبیب‌الله. (۱۳۹۰). اطلس خط. تهران: سروش.
- قلیچ‌خانی، حمیدرضا. (۱۳۹۰). فرهنگ واژگان و اصطلاحات خوشنویسی. تهران: روزنه.
- قلیچ‌خانی، حمیدرضا. (۱۳۹۲). درآمدی بر خوشنویسی ایرانی. تهران: فرهنگ معاصر.
- قلیچ‌خانی، حمیدرضا. (۱۳۹۵). رسالاتی در خوشنویسی و هنرهای وابسته. تهران: روزنه.
- قرآن خطی، به قلم محمدابراهیم قمی، به تاریخ کتابت ۱۱۰۲ ه.ق. شماره ۹۲۳ع، محفوظ در کتابخانه ملی ایران.
- قرآن خطی، به قلم حافظ عثمان افندی، به تاریخ کتابت ۱۰۹۷ ه.ق. چاپ فاکسی میله.
- کاردار طهران، دلارام. (۱۳۹۹). مقایسه ساختاری خط نسخ ایرانی و خط نسخ عثمانی (با تمرکز بر کتابت جزء سیام قرآن کریم به خط احمد نیریزی و محمد شوقی افندی). فردوس هنر، (۱)، ۴۸-۵۷.
- هاشمی‌نژاد، علیرضا. (۱۳۹۹). فراز و فرود نسخ‌نویسی در ایران. تهران: مرکز طبع و نشر قرآن کریم.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to the journal of art & civilization of the orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله
 قاضی‌زاده، خشایار؛ کاردار طهران، دلارام و کریمی، علی. (۱۴۰۱). مقایسه ساختاری خط نسخ محمدابراهیم بن محمدنصیر قمی و خط نسخ حافظ عثمان افندی (با تمرکز بر شیوه کتابت سوره لیل قرآن کریم). مجله هنر و تمدن شرق، ۱۰(۳۶)، ۱۵-۲۴.

DOI:10.22034/jaco.2022.336051.1242

URL:http://www.jaco-sj.com/article_150534.html

